



تاریخ اقتصادی
همدان
در سده‌های معاصر
(۱۱۷۵-۱۴۰۰)

تألیف: محمد حسین یزدانی راد

سرشناسه: یزدانی راد، محمدحسین، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ اقتصادی همدان در سده‌های معاصر (۱۱۷۵ - ۱۴۰۰) / محمدحسین یزدانی راد.
مشخصات نشر: تهران: روزنه، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۹۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۵۱۶-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۷۳] - ۱۷۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: همدان (استان) — اوضاع اقتصادی
Hamadan (Iran: Province) -- Economic conditions
رده‌بندی کنگره: HC۴۷۷
رده‌بندی دیویی: ۳۳۰/۹۵۵۵۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۹۴۶۸۸



تاریخ اقتصادی همدان در سده‌های معاصر (۱۴۰۰ - ۱۱۷۵)

تألیف: محمدحسین یزدانی راد

طرح جلد: حمید اقدسی یزدلی

چاپ اول: ۱۴۰۲

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: نوبخت

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۵۳۷۳۰ - ۸۸۵۳۶۳۱ ☎️ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

سایت: www.rowzanehnashr.com 🌐

rowzanehnashr 📍

rowzanehnashr ©

ISBN: 978-622-234-516-7

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۵۱۶-۷

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است * 🌟

فهرست

مقدمه.....	۹
نظریه شیوه تولید.....	۱۳
فصل نخست: اوضاع طبیعی، تاریخی و اقتصادی همدان از آغاز تا دوره قاجار.....	
۱. اوضاع جغرافیایی.....	۲۵
کوه‌ها.....	۲۵
رودها.....	۲۶
آب‌وهوا.....	۲۶
پوشش گیاهی و جانوری.....	۲۸
تقسیمات منطقه‌ای.....	۲۹
۲. تاریخ سیاسی.....	۳۱
الف: دوران باستان.....	۳۱
ب: دوران اسلامی.....	۳۵
۳. وضعیت اقتصادی.....	۳۹
الف: شبانکارگی چادر نشینی.....	۳۹
ب: دهقانی (اقتصاد زراعی).....	۴۲
ج: پیشه‌وری خرده‌کالایی.....	۴۷
د: تجارت و بازرگانی.....	۴۸
فصل دوم: اقتصاد همدان در عصر قاجار.....	۵۳

۶ ❖ تاریخ اقتصادی همدان در سده‌های معاصر (۱۱۷۵-۱۴۰۰)

۵۵.....	مدخل.....
۵۷.....	کشاورزی.....
۵۹.....	پیشه‌وری.....
۶۲.....	بازرگانی.....
۶۴.....	شبانکارگی.....
۶۸.....	جنگ جهانی اول و قحطی همدان.....
۷۳.....	فصل سوم: اقتصاد همدان در عصر پهلوی.....
۷۵.....	مدخل.....
۷۷.....	کشاورزی.....
۷۸.....	دامداری.....
۷۹.....	صنعت.....
۸۳.....	بازرگانی و تجارت.....
۸۴.....	اقتصاد پس از شهریور ۱۳۲۰.....
۸۵.....	همدان در سال‌های جنگ جهانی دوم.....
۸۷.....	اقتصاد کشاورزی.....
۹۱.....	کشاورزی همدان پس از اصلاحات ارضی.....
۹۳.....	الف: محصولات سالانه.....
۹۵.....	ب: محصولات دائمی.....
۹۷.....	شبانکارگی.....
۹۸.....	صنعت.....
۱۰۰.....	صنایع دستی.....
۱۰۰.....	بازرگانی.....
۱۰۳.....	فصل چهارم: اقتصاد همدان در دوران انقلاب اسلامی.....
۱۰۵.....	مدخل.....
۱۰۷.....	تحولات اقتصادی در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴.....
۱۰۹.....	سیاست‌های اقتصادی در سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۲.....

فهرست ❖ ۷

۱۱۱.....	کشاورزی
۱۱۳.....	دامپروری
۱۱۵.....	صنعت
۱۱۷.....	صنایع دستی
۱۱۸.....	معادن
۱۱۸.....	خدمات
۱۲۰.....	ظرفیت‌های اقتصاد همدان
۱۲۳.....	رویکردهای استراتژیک توسعه
۱۲۵.....	رسته‌های در اولویت توسعه
۱۳۱.....	فصل پنجم: بازار همدان
۱۳۳.....	مدخل
۱۳۵.....	توصیف کلی بازار همدان
۱۳۶.....	راسته‌های بازار
۱۳۸.....	بازارچه‌ها و گذرها
۱۳۹.....	کاروان‌سراها
۱۴۳.....	فصل ششم: اتاق بازرگانی همدان
۱۴۵.....	مدخل
۱۴۶.....	مجلس وکلای تجار
۱۴۹.....	هیئت اتحادیه تجار
۱۵۱.....	جمعیت نهضت اقتصاد
۱۵۳.....	تأسیس اتاق تجارت
۱۵۴.....	انتخابات اتاق تجارت همدان
۱۵۶.....	نظام‌نامه داخلی اتاق تجارت همدان
۱۵۹.....	جلسات اتاق تجارت (بازرگانی) همدان
۱۶۸.....	هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی همدان پس از انقلاب

۸ ❖ تاریخ اقتصادی همدان در سده‌های معاصر (۱۱۷۵-۱۴۰۰)

۱۷۳.....-تشکیل شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی

۱۷۵.....-راه‌اندازی تشکل‌های اقتصادی

۱۷۹.....منابعی برای مطالعه بیشتر

پیشگفتار

همدان از گذشته‌های دور تا به امروز حسب موقعیت طبیعی و جغرافیایی از جمله مراکز مهم اقتصادی ایران به‌شمار می‌رفته و همواره نقش مهمی در تولیدات کشور برعهده داشته است. به کار بردن تعبیری همچون: «انبار ایران»، «مرکز انبار مال‌التجاره»، «انبار غله»، «بارانداز تجاری» دلالت بر رونق فعالیت‌های اقتصادی این منطقه در ادوار مختلف داشته است و حاکی از رونق و آبادانی آن در قرون و اعصار متمادی بوده است. اقتصاد همدان در ادوار گذشته تحت تاثیر عوامل مختلف از رشد کمی مناسبی برخوردار بوده و در عین حال در ادواری نیز دچار انحطاط و بی‌ثباتی گشته است. بی‌تردید شناخت عوامل موثر در این فرایند، مستلزم مطالعه و پژوهشی جامع‌نگر در این حوزه می‌باشد که به کمک آن ضمن شناخت جنبه‌های مختلف این مساله، راهبردهای ثمربخشی برای توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی این منطقه ارائه و امکان برنامه‌ریزی دقیق و مناسب فراهم گردد. در عین حال بازخوانی و خوانش «تاریخ اقتصادی» این منطقه نه تنها موجبات آشنایی نسل‌های حاضر را به همراه دارد، بلکه باعث پیوند هر چه بیشتر فعالان اقتصادی با فرهنگ و گذشته خود می‌گردد؛ که به نوبه خود در ساخت هویت جمعی این افراد و تعلق خاطرشان به کار و فعالیت تولیدی نقش موثری دارد. نقشی که احتمالا در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیز بی‌تاثیر نخواهد بود. در تالیف تاریخ اقتصادی همدان توصیف کامل بخش‌های مختلف تولیدی آن مد نظر بوده تا با استفاده از آنها امکان بازخوانی دقیق موضوعات، تحلیل‌های مبتنی بر واقعیات مستند از منظرهای مختلف شکل گرفته، استخراج شوند و مورد بهره‌گیری قرار گیرند.

کتاب حاضر که اقتصاد همدان را از دوره قاجار تا انقلاب اسلامی در برمی‌گیرد و در عین حال مشتمل بر تاریخچه و شرح فعالیت‌های اتاق بازرگانی این استان نیز می‌باشد، با چنین رویکردی درصدد در اختیار گذاشتن تجارب ارزنده برای همه کسانی است که با نفی گسست تاریخی، درصدد دریافت راهبردهای آتی از تجارب پیشین هستند.

نظر به کمبود منابع درخور علمی در این حوزه و لزوم چاپ چنین آثاری برای جبران این نقیصه، اتاق همدان وظیفه خود دانست با حمایت از چاپ این اثر به بهترین شکل ممکن به رسالت خود جامه عمل بپوشاند. امیدوارم این اثر به بهترین شکل در دسترس استادان، مدیران، کارشناسان و علاقمندان مطالعات اقتصادی قرار گیرد و در ارتقای کیفی اقتصاد کشور به سهم خود نقش موثری داشته باشد. در پایان وظیفه خود می‌دانم از تلاش‌های ارزشمند آقای محمد حسین یزدانی راد که در تالیف، فراهم‌آوری و نشر این کتاب نقش بسزایی داشتند، قدردانی نموده و موفقیت‌های روز افزون ایشان را از درگاه ایزد منان خواستارم.

علی اصغر زبردست

اسفند ماه ۱۴۰۱

مقدمه

حیات اجتماعی انسان‌ها در هر عصری، کلیت پیچیده‌ای دارد که وجوه متنوع ساختاری آن در ارتباط با یکدیگر معنا پیدا می‌کند و کنش‌های انسان‌ها در همین بستر شکل می‌گیرد. لذا تفکیک کنش‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها و شناخت مستقل هر یک از این وجوه امکان‌پذیر نیست. مورخ ضمن شناخت کلیت گذشته، وجه خاصی از آن را که گفتمان حاکم بر عصر او، مطالعه آن را ضروری کرده است، تحلیل می‌کند. چنین رویکردی در مطالعات تاریخی محصول تحولات دوران جدید و تغییر نگرش انسان‌ها نسبت به جامعه و تاریخ است (تفضلی، ۱۳۷۲: ۸۷). کنش جمعی آدمیان در ادوار گذشته به‌عنوان تاریخ، وجوه مختلفی دارد که یکی از تأثیرگذارترین این وجوه، وجه اقتصادی آن است. اگر علم تاریخ را علم شناخت و تحلیل کنش‌های جمعی در پرتو نگرش مورخ تعریف کنیم و سازوکار پیدایش آن را از منظری گفتمانی به تفسیر بنشینیم؛ تاریخ‌نگاری اقتصادی شناخت و تحلیل بخشی از کنش‌های جمعی انسان‌هاست که در راستای تأمین معیشت آنان صورت گرفته است (کار، ۱۳۸۵: ۳۳).

بنابراین با توجه به سیر تحول علوم اجتماعی می‌توان چنین گفت که تاریخ‌نگاری اقتصادی، نه به‌عنوان یک رشته مستقل، بلکه در یک برداشت میان‌رشته‌ای موضوعیت پیدا می‌کند. چنین برداشتی از قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی در اروپا آغاز شد و با اذعان به رابطه مورخان و سایر اندیشمندان علوم اجتماعی، خاصه اقتصاددانان راه خود را پیمود. تاریخ‌نگاری اقتصادی در قرن بیستم با مطالعه کنش‌های اقتصادی انسان‌ها در گذشته، نمود پُررنگ‌تری یافت و در وجوه ساختاری و معرفت‌شناسی به ارتقای دانش

تاریخ کمک کرد (رضوی، ۱۳۸۸: ۹۴-۹۵). تاریخ‌نگاری اقتصادی با مفهوم تلاش در جهت مطالعه حیات اقتصادی انسان‌ها در اعصار گذشته پدید آمد. این امر تنها در مورد تاریخ‌نگاری اقتصادی صدق نمی‌کرد، بلکه سایر وجوه تاریخ‌نگاری از جمله تاریخ‌نگاری فرهنگی نیز همین‌گونه شکل گرفت؛ اینکه موجودیت فرهنگی انسان در بستر نگاه اجتماعی موضوعیت می‌یابد. با همه اینها، نظر به سهم پُررنگ اقتصاد در حیات انسانی، طبیعی بود که مورخان بیشتر به این حوزه جذب شدند. از همان نخستین سال‌های نزدیکی علوم اجتماعی و تاریخ به یکدیگر، تحول در مفهوم تاریخ‌نگاری و گذر از تاریخ‌نگاری عصر سنتی به تاریخ‌نگاری دوره روشنگری، و گذر از سنت به تجدد در راستای ثبت و ضبط تاریخ اقتصادی اقوام و ملل مختلف، در مرکز توجه تاریخ‌نگاران قرار گرفت (لویده، ۱۳۷۹: ۳۵-۳۶).

آنچه از آن به‌عنوان تاریخ‌نگاری اقتصادی ایران یاد می‌شود، در قالب دو جریان تاریخ‌نگاری تکامل‌گرا و اروپامحور موسوم به ماتریالیسم تاریخی (تاریخ‌نگاری مارکسیستی-لنینیستی یا تاریخ‌نگاری روسی) و تاریخ‌نگاری آسیایی به بروز رسیده است. اگرچه آثار دیگری در حوزه تاریخ اقتصادی ایران خلق شده است که می‌توان آنها را خارج از این دو جریان به بحث گذاشت، اما رویکردهای غالب در تاریخ‌نگاری اقتصادی ایران تاکنون در قالب این دو جریان نمود یافته و یا به‌شدت متأثر از نظریات و مفاهیم این دو بوده است. تاریخ‌نگاری مارکسیستی متعهد به نظریه ماتریالیسم تاریخی و تاریخ‌نگاری آسیایی دو نمونه از جریان‌های تاریخ‌نگاری جدید هستند که تصویری جدید و مدرن از زمان دارند و با چنین تصویری به دوره‌بندی تاریخ و تاریخ اقتصادی ایران می‌پردازند. تاریخ‌نگاری اقتصادی در ایران که نشانگر فصلی جدید در نگاه به تاریخ بود، در متن چنین فهمی از زمان و اروپامحوری حاکم بر آن شکل گرفت و موجب توجه به نقش اقتصادی و مالکیتی دولت و طبقات اجتماعی در تاریخ ایران شد. همانگونه که عباس ولی نشان می‌دهد، شکل‌گیری این جریان‌های تاریخ‌نگارانه «نشان‌دهنده فتح باب جدیدی در نوشتارهای تاریخی درباره ایران است و برای اولین بار در تاریخ ایران می‌کوشد تا بحث تاریخی را به شرایط اقتصادی و سیاسی معاصر پیوند دهد.» به همان‌سان که رویکرد مارکسیستی توجه ما را به مسائل نظری در تاریخ معطوف کرد و نگاه تاریخ‌نگاری را از تاریخ سیاسی به مسائل مرتبط با اقتصاد و طبقات اجتماعی

بازگرداند، نظریه شیوه تولید آسیایی هم موجب آگاهی ما به مسائلی چون نقش جغرافیا و دولت در مالکیت و شیوه‌های تولید شد. همچنین تاریخنگاری آسیایی را باید گامی در جهت توجه به خصوصیت مهم زمان تاریخی دانست که به ویژگی منحصر به فرد جوامع و تاریخ آنها، با وجود امکان شباهت‌هایی به دیگر جوامع، پرداخته و با مشاهده نوعی ناهمزمانی بین غرب و ایران، در پی جست‌وجوی علل این ناهمزمانی و ناهمسانی در زمینه‌ها و ساختارهای تاریخی برآمده است. با این حال، هر دو این رویکردها در توضیح و تبیین مسائل مطرح در تاریخ ایران دچار اشکالات اساسی هستند. بخش عمده‌ای از این اشکالات را باید در تسلط نگرش اروپامحور و نیز اتخاذ رویکرد غایت‌باورانه به تاریخ دانست.

جریانات تاریخنگاری اقتصادی ایران تا به حال موضوع برخی تحقیقات علمی و تتبعات فکری و حتی انتقادی بوده است. عباس ولی در نوشته‌های خود، به‌ویژه در کتاب مهمش به نام «ایران پیش از سرمایه‌داری»، با نوعی رویکرد ساختارگرایانه نئومارکسیستی، به طرح مباحث انتقادی قابل توجهی درباره هر دو رویکرد مارکسیستی و آسیایی تاریخنگاری اقتصادی ایران پرداخته است. ناصر صدقی در تحقیقات خود، به‌خصوص در کتاب «رویکردهای تاریخی به مسئله انحطاط و عقب ماندگی ایران»، به شکل مبسوط در باب مبانی نظری و معرفتی حاکم بر تاریخنگاری اقتصادی مارکسیستی و آسیایی بحث می‌کند. این آثار هر کدام از زاویه‌ای خاص به ویژگی‌ها و جوانب مختلف، نظریه‌های حاکم بر اقتصاد ایران می‌پردازند و تا کنون پژوهش‌های جامعی راجع به «تاریخ اقتصادی ایران» با رویکرد نظری نگاشته نشده است. خواست بنیادین پژوهش کنونی بررسی تاریخ اقتصادی شهر همدان بر اساس نظریه «شیوه تولید» می‌باشد.

نظریه شیوه تولید

هر چند اغلب تاریخ‌نگاران مارکسیست به سادگی ایران ماقبل سرمایه‌داری را «فئودالیسم» و گاه «فئودالیسم خاص ایران» و «فئودالیسم آسیایی» یا «صورت‌بندی فئودالی و شبانی» نامیده‌اند و با در نظر گرفتن اهمیت بخش قبیله‌ای و تولید صنایع دستی شهری به اثبات این نظریه پرداخته‌اند؛ اما باید در نظر داشت که حتی در بخش کشاورزی به‌ندرت می‌توان مشخصه‌های فئودالی یافت. چون در ایران اشرافیت موروثی

به شیوه قانونی وجود نداشت، بیگاری در حد بسیار کم به چشم می‌خورد و از نظام ارباب رعیتی هم خبری نبود. همچنین نظریه‌پردازان «نظام تولید آسیایی» که مالکیت خصوصی بر زمین و وجود دولتی مقتدر را از ارکان آن تلقی می‌کردند، خود دولت را مالک و گردآورنده مالیات یا خراج از روستاهای کوچک می‌دانستند. این نظریه در صورتی برای تفسیر تاریخ ایران کارایی دارد که تنها یک شیوه تولید وجود داشت، درحالی‌که بخش وسیعی از جامعه را شبانکارگان چادرنشین تشکیل می‌دادند. در ضمن بخش شهری خارج از کنترل دولت نیز کاملاً بیرون از این الگو قرار می‌گرفت و در اقتصاد زراعی هم مالکیت‌های خصوصی فردی، املاک وقفی و دولتی در کنار املاک خاص سلطنتی مشاهده می‌شد (فوران، ۱۳۸۲: ۷۳-۷۴).

با توجه به اینکه ساختار اجتماعی ماقبل سرمایه‌داری ایران به منزله یک صورت‌بندی اجتماعی حاصل همزیستی و کشمکش متناوب دو گونه اقتصاد سیاسی یعنی اقتصاد روستائینشینان و شهرنشینان یکجانشین، و اقتصاد شبانکارگان بیابانگرد بود؛ این اقتصاد از سه شیوه تولید متمایز و در عین حال دارای کنش متقابل تشکیل می‌شد. این شیوه‌ها به سه بخش اقتصادی عمده که در پرتو تحلیل عینی شناسایی شده‌اند، منطبق می‌گردید که عبارت بودند از: شبانکاری چادرنشینی در بخش قبیله‌ای، تولید دهقانی در اقتصاد زراعی و تولید پیشه‌وری خرده‌کالایی در مناطق شهری.

شهر تاریخی و دیار باستانی همدان از گذشته‌های دور تا امروز، همواره یکی از مراکز عمده اقتصادی ایران بوده است. به ترتیب موقعیت چهارراهگی همدان که در محل تلاقی مسیرهای غربی به شرقی و شمالی به جنوبی جای گرفته در رونق اقتصاد تجاری آن نقش داشته است؛ علاوه بر این شرایط آب و هوایی مساعد و وجود منابع آبی فراوان، در رونق اقتصاد کشاورزی و بهبود وضعیت آن تأثیر مستقیم داشته است و سرانجام وجود نیروی انسانی مستعد شکوفایی اقتصاد صنعتی و پیشه‌وری آن را موجب شده است. همچنین همدان در ادوار مختلف تاریخی پایتخت ایران بوده و مزایای حاصل از آن، در ارتقای اقتصاد آن نقش داشته است.

بی‌تردید محیط طبیعی در پیدایش و گسترش شهرها بسیار مؤثر است، چراکه تمدن واقعی بشر تنها در بخش‌هایی از نواحی جغرافیایی که آب و هوایی مساعد داشته باشد، همچون میانرودان و منطقه هلال حاصلخیز ظاهر می‌شود. نقش عوامل جغرافیایی در

شکل‌گیری تمدن بشری به‌گونه‌ای است که برخی معتقدند عوامل طبیعی در پدیده‌های تاریخی، فرهنگی و اقتصادی جوامع نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. تأکید آنان بر این موضوع، موجبات ظهور مکتب «جغرافیای‌گرایی»^۱ یا «دترمینیسم (جبر‌گرایی) جغرافیایی» را فراهم آورد (کارل، ۱۳۴۸: ۲۲۷؛ زیگفرید، ۱۳۵۴: ۲۰۸). بر اساس نظریات متفکران این مکتب، حکومت ماد در برترین موقعیت جغرافیایی منطقه واقع شده بود و به همین دلیل شهرهای مهمی نظیر هگمتانه را پدید آورد. طبق اسناد و کاوش‌های باستان‌شناسان، حد مرز شرقی ماد، رود خرینداس^۲ بود. خاک ماد از شمال رود ارس می‌گذشت و به دریای کاسپین (دریای خزر) پیوند می‌خورد. هگمتانه از شهرهای بسیار مهم باستانی و از مراکز عمده تجاری و اقتصادی فلات ایران محسوب می‌شد که به‌دلیل قرارگرفتن در یکی از چهارراه‌های دنیا و در مرکز تلاقی دو تمدن جلگه بین‌النهرین (آشور) و فلات ایران، به معنای واقعی، تمدن شهری را از آن خود کرده بود (Marquart, 1901:35).

بنابراین موقعیت جغرافیایی هگمتانه این امکان را فراهم آورد تا از نخستین سده‌های بنیان‌گذاری آن - چه به‌صورت تبادل کالا و چه به‌صورت برخورد‌های خصمانه - با شهرهای میانرودان روابط نزدیک داشته باشد. این شهر از ارتباطات شهرهای میانرودانی بهره‌برد و تجربیاتش را به آنان انتقال داد (سید سجادی، ۱۳۸۳: ۷۴). هگمتانه به‌دلیل موقعیت چهارراهگی، همواره به‌عنوان یک مرکز سیاسی و تجاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. پولیبیوس^۳، مورخ یونانی، موقعیت این شهر را چنین توصیف کرده است: «آب‌اتان شهرت و ثروت خود را مدیون موقعیت خود به منزله چهارراه عبور و مرور است، شهر از طرف شرق به‌سوی شاهراهی باز می‌شود که کنت کورث آن را یک «راه نظامی» می‌نامد و آن همان جاده خراسان است که از طریق منطقه ثروتمند «راغه»^۴،

۱. determinism. بنا به عقیده طرفداران مکتب جبر جغرافیایی، شئون و جوانب مختلف زندگی انسان، از شیوه معیشت و چگونگی فعالیت‌های اقتصادی گرفته تا امور سیاسی و نقش دولت‌ها در مسائل بین‌المللی و ... همگی ناشی از شرایط و مقتضیات طبیعی و جغرافیایی است. به تعبیر دیگر، اینان طبیعت جغرافیایی را به منزله زیربنا (عامل تعیین‌کننده) و سایر مسائل و عوامل را (از قبیل اقتصاد، سیاست و ...) به مثابه روبرو که طبعاً تابع و فرع بر زیربناست، تلقی می‌نمایند (نگارش، ۱۳۷۴: ۵۶-۵۷).

2. Charindas
3. Polybius
4. Rhagai

دروازه‌های کاسپین و هکاتوم پیلوس (دامغان - صدروازه) به‌سوی باختریش (بلخ) و آسیای مرکزی می‌رود. از اکباتان به آسانی می‌توان به ارمنستان و کاپادوکیه^۱ رسید و از طریق گبین به پرسپولیس، یا می‌توان از اکباتان راهی را در پیش گرفت که هرودوت در وصف موقعیت آن می‌نویسد که جاده مذکور پس از عبور از کاپادوکیه، از سارد و هلیس عبور می‌کند و در ارمنستان پانزده ایستگاه (منزل / مرحله) دارد و از اربل به بعد به سمت ساحل چپ دجله می‌رود» (بریان، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۵۳۶-۱۵۳۷). با در نظر گرفتن این نکته که مادها برای نخستین بار در طول سده نهم پیش از میلاد بر دامنه‌های کوه الوند و دشت همدان و در کرانه‌های شاهراه خراسان استقرار یافتند، صحت گفته‌های پولیب تایید می‌گردد (اذکایی، ۱۳۸۰: ۲۴).

شاهراه مبادلات بازرگانی خراسان بزرگ از طریق بابل، سر پل ذهاب، بیستون، همدان و ری، آسیای غربی را به آسیای مرکزی پیوند می‌داد. از آنجا به ری می‌رفت و در امتداد جنوب البرز به بلخ می‌رسید (اذکایی، ۱۳۸۰: ۴). این منطقه از یک‌سو بر سر راه حمل کالا از طریق تبریز به نواحی آسیای صغیر (ترکیه امروزی)، دریای سیاه و ترابزون^۲ بود و از سوی دیگر، در مسیر حرکت به مناطق جنوب غرب ایران و کشور عراق (به‌خصوص شهرهای بصره و بغداد) قرار داشت (بارتولد، ۱۳۰۸: ۱۵۶). همچنین جاده شاهی که از جمله مهم‌ترین مسیرهای تجاری ایران در این دوران بود از بابل شروع می‌شد و با گذر از تنگنای زاگرس به کرمانشاهان و اکباتان می‌رسید.

همدان در دوران اسلامی از نظر موقعیت خاص جغرافیایی و نزدیکی به مرزهای عراق، محل عبور یکی از مهم‌ترین مسیرهای ارتباطی به‌شمار می‌رفت. کلیه کالاهای صادراتی کشور به طرف بازارهای غرب، ابتدا به همدان حمل می‌شد، سپس از طریق دو راه شمالی (سندج، موصل، ماردین، ارفا و حلب) و (کنگاور، قرمیسین، بغداد و موصل) و با عبور از کوه‌های زاگرس، به سمت شمال، مرکز و جنوب عراق؛ به سایر نقاط منتقل می‌شد (یغمایی؛ پورشعبانیان، ۱۳۹۳: ۴۰). بنا به نوشته مورخان و جغرافی‌نویسان در سده‌های سوم تا هشتم هجری، اصلی‌ترین جاده‌های عبوری از همدان، عبارت بود از:

- مسیر همدان - حلوان که از مناطق غربی کشور، از جمله شهرهای اسدآباد، کنگاور

1. kapadokya

2. Trabzon

و بیستون عبور می‌کرد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۲-۱۶۳؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۲-۱۰۳؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۴؛ ابن رسته، ۱۲۷۱/۱۸۹۲: ۱۶۷-۱۶۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۹۹-۶۰۰؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۶۴).

- مسیر همدان- قزوین که از شهرهای رزن و آوج می‌گذشت (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۳).
 - راه جنوبی همدان (راه دمه، رامن و خوزستان) که از شهرهای جوکار، ملایر و بروجرد به سوی مناطق جنوبی کشور در جریان بود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۳).
 - مسیر همدان- ساوه که از بخش‌های شرقی همدان از جمله شهرهای رزن، فامنین و غرق‌آباد عبور می‌کرد (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۵؛ ابن رسته، ۱۲۷۱/۱۸۹۲: ۱۶۷-۱۶۸).

- راه همدان- سلطانیه که از راه شمال و از شهرهای شیرین سو و کبودرآهنگ گذر می‌کرد (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۶۴).

علاوه بر این، اولیا چلبی که اواسط دوران صفوی از همدان دیدن کرده بود، از چهار دروازه آن به نام‌های دروازه قم، بیستون، درگزین و بغداد نام می‌برد که احتمالاً از مهم‌ترین مسیرهای ارتباطی همدان با مناطق مذکور بود (چلبی، ۱۳۱۴: ۳۴۶).
 از نظرگاه سیاحان اروپایی که در دوره قاجار به ایران سفر کرده بودند، راه اصلی تهران به کربلا و بغداد (بغداد به تهران) از داخل دشت همدان عبور می‌کرد (یولاک، ۱۳۶۸: ۳۰۹؛ گروت، ۱۳۶۹: ۱۸۳؛ کرزن، ۱۳۷۳، ج ۲: ۶۸۶). جیمز موریه^۱ همدان را از شاهراه‌های بازرگانی شمال برای تجارت با بغداد از طریق کرمانشاه برمی‌شمرد (موریه، ۱۳۸۶: ۳۰۹). مسیر تجاری تبریز به اصفهان با عبور از دشت همدان میسر بود. در نقشه ترسیمی اوژن فلاندن^۲ از شهر همدان و حومه‌اش، به چهار مسیر ارتباطی اصلی این شهر با شهرهای اطراف اشاره شده است که عبارتند از مسیر اصفهان، بغداد، بروجرد و توپسراکان (Flandin, 1851: 24).

هاینریش بروکشن^۳ در خصوص راه‌های تجاری همدان آورده است: «به دلیل اینکه همدان محل تلاقی چند راه تجاری بزرگ است، نسبت به اصفهان اهمیت بیشتری

1. James Justinian Morier (1782- 1849)

2. Eugène Flandin (1809- 1889)

3. Heinrich Karl Brugsch (1827- 1894)

دارد. راه تجاری بغداد به تهران از همدان می‌گذرد و راه دیگری نیز از آن به مرز ترکیه می‌پیوندد» (بروکشن، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۲۶). به‌علت رونق رفت‌وآمد کاروان‌های بازرگانی به شهر همدان، از آن با عنوان «مرکز انبار مال‌التجاره» و «انبار ایران» یاد شده است. بدین‌شکل هر کالا و کاروانی که قصد حرکت از این مسیرها را داشت، در این شهر اقامت می‌کرد (جکسن، ۱۳۸۷: ۱۷۱؛ بارتولد، ۱۳۰۸: ۱۸۹؛ زارعی، ۱۳۹۰: ۷۵). سیاحان براین باور بودند که همدان نه‌تنها نیازی به تأمین مایحتاج ضروری از ولایات و ایالت‌های مجاور، به‌ویژه بغداد نداشت، بلکه نیاز آنان را نیز مرتفع می‌کرد (تاواریئه، ۱۳۳۶: ۱۹۷). در سال‌های مابین دو جنگ جهانی، با وجودیکه جاده‌های طولانی و راه‌های فرعی بسیاری ساخته شد، جاده‌ای که تهران را به اصفهان و قزوین و به شهرهای تبریز، همدان و کرمانشاه و در نهایت به بغداد متصل می‌کرد، همچنان از جمله مهم‌ترین جاده‌های ساخته‌شده در این دوره بود. از سال ۱۳۰۴ ش، هم‌زمان با سلطنت پهلوی که دادوستد با اتحاد جماهیر شوروی رو به افول گذاشت، کاهش تردد در جاده‌های منتهی به روسیه، موجبات رکود تجارت خرده‌فروشی در تبریز و مشهد را فراهم آورد؛ برعکس بازرگانی در شهرهای غربی و جنوبی همچون همدان، اصفهان و شیراز رو به ترقی گذاشت (فیشر، ۱۳۸۴: ۶۵۶-۶۵۷).

علاوه‌بر موقعیت خاص چهارراهگی، جای‌گیری همدان در منطقه شرق زاگرس که برای انتخاب به‌عنوان پایتخت مناسب بود، بر اقتصاد آن تأثیرگذار بود. تحلیل نامجای شناسی هگمتانه (محل اجتماع مادان) دلیل روشنی بر قابلیت‌های خاص تمرکزیابی سیاسی- نظامی قبایل کاسی و ماد در عهد باستان و حکمرانان ادوار بعد است. همدان به سبب برخورداری از مواهب طبیعی و آب‌وهوایی خوش، غالباً به‌عنوان تختگاه تابستانی شاهان و فرمانروایان ایران برگزیده می‌شد (فیشر، ۱۳۸۴: ۵۲۱). با استقرار حکومت مادها (سده هشتم ق.م)، هگمتانه (مادی شهر) به‌عنوان یگانه پایتخت آنها برگزیده شد. در دوران هخامنشیان و پس‌از شکست آستیاگ، آخرین پادشاه ماد و سقوط دولت آنها، از آن جایی که دیگر «انسان» نمی‌توانست برای کوروش مرکز فرمانروایی باشد، هگمتانه مادان یکی از پایتخت‌های سه‌گانه شاهنشاهی فارسی (شوش، همدان و بابل) و خصوصاً تختگاه تابستانی آنان شد. پس‌از دفع شورش گئوماتا مغ، «هگمتانه مادی» به‌عنوان دومین تختگاه امپراتوری هخامنشی و پایتخت تابستانی شاهان و بزرگان این

سلسله انتخاب شد. هگمتانه چنان اهمیت داشت که داریوش یکم پس از درج کارنامه خود بر صخره بیستون، یک کتیبه هم بر کوه الوند برجای گذاشت. کتیبه دیگر از فرزندش خشایارشا (۴۸۶-۴۶۵ ق.م) با همان مضمون است که به لشکرکشی به مصر مربوط است (۴۸۰-۴۸۵ ق.م). زمانی که خشایارشا پس از مرگ داریوش به همدان بازگشت، شورش استقلال طلبانه در بابل رخ داد و شهریان ایرانی آنجا کشته شد، پس خشایارشا در سیاست‌های بابلی و عناوین شاهنشاهی خود تغییراتی ایجاد کرد (اذکایی، ۱۳۸۰: ۵۰).

شهرهای ایران در دوران سلوکیان وظیفه نگهداری از راه‌های ارتباطی و بازرگانی با مشرق و مغرب (یعنی جاده ابریشم) را عهده‌دار بودند. از جمله شهرهای یونانی در مادستان، «لائودیکه» مشهور است که نه‌اوند امروین بود. از جمله شواهد فرمانروایی طولانی سلوکیان در آنجا می‌توان از کتیبه آنتیوخوس کبیر بر روی ستونی به سال ۱۹۳ ق.م نام برد که به مندومنوس، کارگزار خود فرمان می‌دهد که باید خواهرش/زنش، ملکه لائودیسه همچون کاهنه معبد پرستیده شود.

هگمتانه در دوره اشکانیان پس از شهر صد دروازه، پایتخت پهلوانان اشکانی بود. پایتخت پسینی پارسیان، شهر تیسفون در میانرودان، به بیان ایزیدور خاراکی آخرین منطقه‌ای بود که در مسیر آن، منازل پارتی پدید آمده بود. همدان در عهد ساسانیان نیز همانند تیسفون، پایتخت ساسانیان اهمیت اقتصادی و راهبردی داشت، و البته همچون گذشته پایتخت تابستانی این سلسله به‌شمار می‌رفت (اذکایی، ۱۳۸۰: ۶۳-۶۴).

همدان در دوران اسلامی از شهرهای مهم بود و نظر به موقعیت راهبردی در دهه‌های گذشته، چندی به پایتختی برگزیده شد؛ چونان که در حکومت آل بویه (شاخه جبال) و سلجوقیان (شاخه عراق عجم) به‌عنوان پایتخت این سلسله‌ها انتخاب شد. همدان در حکومت صفویه و قاجار همواره از شهرهای قابل‌اعتنا قلمداد می‌شد. اولیویه در سفرنامه‌اش موقعیت این شهر را چنین روایت کرده است: «اکباتانه نیز چون شهر بابل و سوز [سوسه-شوش] و اصطخر، فارس و مداین، هر ساله با قدوم پادشاه ایران در قدیم، مشرف می‌شد. توقف سلاطین در همدان به‌واسطه اعتدال هوا و سلامتی آن و کثرت میوه و فراوانی محصولات، بیشتر بود. فی‌الحقیقه این محل از ایران که به بهترین میوه‌ها، نیکوترین گل‌ها، بسیاری آب‌ها، فراوانی برنج و سایر حبوبات معروف است و

۲۰ ❖ تاریخ اقتصادی همدان در سده‌های معاصر (۱۱۷۵-۱۴۰۰)

کمال امتیاز را دارد؛ از شدت گرمای بابل و جنوب ایران دور است. بلندی و ارتفاع زمین در کرمانشاهان، همدان، نهاوند و سایر مواضع ماد قدیم، سبب اعتدال گرمای تابستان و شدت سرما در زمستان شده است» (سفرنامه اولیویه: ۵۱).

از جمله مزایای انتخاب یک شهر به‌عنوان پایتخت، گذشته از اهمیت سیاسی، بهره‌برداری از امتیازات اقتصادی بود. علاوه بر این، سکونت اقلیت‌های مختلف، به‌ویژه تاجران یهودی اواخر سده هشتم پیش از میلاد که حسب اشارات تورات، جماعتی از آنان توسط شلمانصر پنجم آشوری (۷۲۲-۷۲۶ ق.م) به شهرهای ماد تبعید شدند، موجبات شکوفایی فرهنگی و اقتصادی در این شهر را فراهم آورد. جامعه یهود در هر ناحیه‌ای که سکنا می‌گزیدند، به امور بازرگانی روی می‌آوردند. بنیامین تولدایی^۱، جهانگرد یهودی اندلسی، از شهرهای حلوان، همدان، اصفهان و شیراز به‌عنوان مراکز تجمع یهودیان در دوره سلجوقیان نام می‌برد. این شهرها مال‌التجاره و منابع مالی را راهی بین‌النهرین می‌کردند (بازورث، ۱۳۸۰: ۱۴۶).
ناگفته نماند یهودیان علاوه بر تجارت، نوازندگی، رقاصی، آوازخوانی، جواهرفروشی، طلا و نقره‌سازی، شراب و عرق‌فروشی و سایر مشاغلی را که مسلمانان به‌دلیل محدودیت‌های شرعی از آنها منع شده بودند، بر عهده داشتند (ویلز، ۱۳۶۸: ۱۱۴).
طبابت از شغل‌های خاص یهودیان بود (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۰۹) و عموماً حرفه پزشکی در همدان در اختیار یهودیان بود، به‌ویژه پس از تأسیس مدرسه آمریکایی در همدان، از مجموع صد دانش‌آموز یهودی تعداد قابل‌توجهی به حرفه پزشکی اشتغال یافتند (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۵۱). خرید و فروش عتیقه‌جات حرفه دیگری بود که یهودیان همدان به آن مشغول بودند؛ چنان‌که روش‌شوار^۲ در خاطراتش از این شهر با عنوان «ارض موعود عتیقه‌چی‌ها و عتیقه‌فروش‌ها» یاد می‌کند (روش‌شوار، ۱۳۷۸: ۱۸). قاچاق عتیقه سود کلانی نصیب عوامل حکومتی و یهودیان می‌کرد. جعل سکه‌های قدیمی و باستانی یکی دیگر از مشاغل موردعلاقه یهودیان بود. مشتریان این سکه‌ها جهانگردان اروپایی بودند که به همدان سفر می‌کردند (Flandin, 1851: 151؛ بروکش، ۱۳۶۷: ۳۱۵).

یهودیان همدان برخلاف یهودیان سایر شهرها، در بازار پذیرفته شده و به کسب‌وکار مشغول بودند (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۰۹). ایجاد راسته‌ای با نام «بازار یهودیان» نشان‌دهنده نقش

1. Benjamin of Tudela (1130- 1173)

2. Julien de Rochechouart